

عنوان مقاله:

اعتراض جامعه مدنی به مثابه بدیلی برای سیاست خصوصی سازی در ایران

محل انتشار:

فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره 2، شماره 6 (سال: 1381)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسنده:

Mohammad Maljoo

خلاصه مقاله:

اقتصاد دانان طرفدار بازار معمولاً « رقابت » را یگانه راه حل برای رفع ناکارآمدیهای دولت می دانند؛ بنابراین به واسطه اعتبار بیش از حدی که برای نقش بخش خصوصی در اقتصاد قائل اند، به هنگام سیاستگذاری اقتصادی سیاستگذاری بازارمدار را به جای سیاستگذاری دولت مدار بر می گزینند؛ گزینه بازار را بر گزینه دولت مرجح می شمارند و بدین ترتیب با قوت هرچه تمام تر سیاستهای خصوصی سازی را توصیه می کنند تا بدین ترتیب عقلانیت و کارآمدی به فعالیتهای اقتصادی تزریق شود. اما، پرسش مهم این است که آیا می توان بدیل دیگری برای « گزینه دولت - گزینه بازار » متصور شد؟ آلبرت هیرشمن (Albert Hirschman)، اقتصاددان معروف، در اثر کلاسیک خود با عنوان خروج، اعتراض و وفاداری: واکنشها به افت در بنگاهها، سازمانها و دولتها، مبانی نظری این انتخاب سوم را برای اولین بار مطرح کرده است. مطلب اصلی مقاله حاضر که بر نظریه «خروج، اعتراض و وفاداری» (Exit, Voice and Loyalty) استوار است، معرفی این راه حل سوم است. یعنی راه حل جامعه مدنی به جای «راه حل بازار» و «راه حل دولت». بدین ترتیب، اعتراض جامعه مدنی به منزله نیرویی نگریننده خواهد شد که مدیران بنگاهها و سازمانها را گوش به زنگ ناکاراییهایشان نگه خواهد داشت. این راه حل بدیل در واقع نارضایتیها، اعتراضها و فشارهای سیاسی شهروندان را جهت دهی می کند و در حکم نوعی ساز و کار تجدید قوای فعالیتهای اقتصادی دولتی است. تاریخ این بدیل در واقع تا حد قابل ملاحظه ای عبارت است از تاریخ حق ابراز مخالفت، تاریخ ایجاد کانالهای مقتضی برای مخالفت، تاریخ صیانت در برابر رفتار تلافی جویانه و تاریخ سر برآوردن سازمانهایی از قبیل اتحادیه های کارگری و سازمانهای حمایت از مصرف کننده و سایر سازمانهایی از قبیل سازمانهای غیردولتی که خواسته ها و مطالبات شهروندان را ترسیم و تلفیق می کنند.

کلمات کلیدی:

Civil Protest, Privation, Economic Policy

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1839704>

